

هنر تذهیب

مهندس سعید معتمد

در زبان عرب «ذهب» به مفهوم طلا و زر است و «مُذَهَّب» هنرمندی را گویند که زر را برای تکمیل زیبایی چه بر روی چوب و چه سنگ و چه فلز و یا بر روی پوست و کاغذ بکار می‌برد تا جلوه آنها بیشتر و گرانبهائی جسم یا خط محسوس‌تر گردد.

اصولاً طلا در جمیع ادوار حتی در دوران ماقبل تاریخ و همینطور ازمنه اخیر بسیار مورد توجه و جالب نظر بوده است. رنگ درخشان و زیبایی تغییرناپذیر آن و نرمی و خاصیت شکل‌پذیری و تغییر از شمش به زرورق لطیف و یا مفتول ظریف و بالاخره تهیه، گرده، طلا این ماده را بسیار مرغوب ساخته و خواستاران بسیار پیدا کرده است.

در قدیم الایام طلا منحصر به شاهان و درباریان و اعیان بود ولی حال مورد نظر هنرمندان و مورد استفاده در دست اهل صنایع و فنون است.

تذهیب (زرنگاری در کتاب)

در کتب مقدسه، قبل، تورات و انجیل و قرآن، و کتابهای مذاهب مختلفه مثل مزدک و مانی نهایت همت و سعی مبذول شده که به عنوان تجلیل متون آنها که از آسمان مشیت الهی بر اراضی قلوب فرود آمده به احسن وجه تذهیب شوند که البته در درجه اولی این وظیفه به عهده طلا بود و بعداً رنگها مکمل آن می‌شدند که با هم این شیوه زیباتر ساختن را به عهده داشته و دارند. در کهنه‌ترین آثار جامعه، عهد عتیق، کتاب تورات و تالمود به احسن وجه زینت یافته به کمک

طلای پاک و رنگ‌های گیاهی و صمغ و قلم مو و قلم فولادی و خط کش و انبر و مقاش، هنرمندان پر تجربه تحت نظر علما و امرای یهود آثاری ممتاز بوجود آوردند که دیدن آنها حظّ بصر و هیجان دل و جان بوجود می‌آورد. اکثر این آثار در کتابخانه‌ها و موزه‌های عظیم عالم با کمال دقت حفظ می‌گردند. در این مورد اکثر آثار بر روی پوست که سوقات خاور میانه به جمیع ملل است، و یا بر روی کاغذ که هدیه، مصر و چین بوده، تحریر می‌شده. اما در مورد اناجیل اربعه، در ابتدا به صورت بسیار ساده توسط تارکین صومعه‌ها بر روی پوست تحریر می‌شده که به تدریج با مجاورت هنر بی‌زانس و مهم‌تر از آن فرهنگ اسلام کار تذهیب بطور عجیب توسعه یافت. به همراه حاشیه‌ها که تزئین می‌شدند صحنه‌های مذهبی، مثلاً مراحل مختلفه، حیات حضرت مسیح، بطور مینیاتور در کتاب ظاهر شدند و بخصوص در یک امر ترقی بیش از معمول کردند و آن طرح و تزئین و تذهیب حروف اول هر جمله یا بخشی از کتاب بود که در نهایت قدرت نوشته می‌شد و در عین سلیقه و هماهنگی و ظرافت تذهیب می‌گردید. از کهنه‌ترین این آثار، انجیل مشهور موزه، ملی و کتابخانه، شهر دوبلین در ایرلند است و همینطور انجیل «ولفت» در برانشوایگ (آلمان) و انجیل «اشترناخ» در لوکزامبورگ معروف اند.

اما در مورد قرآن کریم، ابتدا در عین سادگی به خط کوفی تحریر می‌شده تا اینکه دو سه قرن بعد نقاط قرمز رنگ بین سوره‌ها وارد شدند. در دوره عباسیان چه در بغداد چه خراسان، به تدریج طلا با صرفه جوئی و امساک بی‌انتها در قرآن مجید برای نشان دادن اول سوره یا تعیین شروع و یا ختم جزو دیده می‌شود. تا اینکه در دوره سلجوقیان در عراق و خراسان این هنر به کتب حماسی و تاریخی و مجموعه، اشعار منتقل شد و در حاشیه‌های با پهنای زیاد به عنوان قاب بسیار زیبا، خطوط یا تصاویر را دربر گرفته و کمال و جلال مخصوصی به آنها داده است.

کشورهای اسلامی بخصوص ایران که در مسیر راه ابریشم بودند بسیار زود با جزئیات طرح‌های چین و هند آشنا شدند و همه آنها را اخذ کرده و رنگ اسلامی و ایرانی بدان دادند و در عین حال استقلال هنر خود را حفظ کردند. بعد از هجوم مغول تزئین کتب مثل همه امور در شرق نزدیک رنگ دیگری به خود گرفت. در دوره تیمور و خاندانش (قرن ۱۴-۱۵ ه. ق.) سرلوحه‌های قرآن به عنوان کتیبه طرح می‌شد و شاهکار تذهیب محسوب می‌شدند. در اواخر دوره تیموریان جنبشی حاصل شد که ما هنوز در همان مسیر در حرکت هستیم و آن تذهیب پرمایه، دو صفحه، اول هر کتاب معتبر و در رأس آن قرآن مجید است. به علت تمایل در هنر عمومی، توجه شدید به تقارن نمودند. مثلاً سوره فاتحه را در طرف راست و اول سوره بقره را در طرف چپ در مقابل هم آوردند و چنان جلوه می‌کند که دو لنگه، در دروازه، شهر هستند که بر روی لولای وسطی که به شیرازه، کتاب مربوط است به حرکت و گردش در می‌آیند و حکایت از باب مفتوح می‌کند. چه صفحه، چپ چه راست، منعکسه، صفحه، مقابل است و هر دو صاحب زیبایی ماندگار و کمال بسیار است. نمونه‌های آن قرآن‌های دوره صفوی، قرآن‌های دوره عثمانی و قرآن‌های دوره مغولی هندی هستند و همینطور در ختم قرآن مجید اوراق اضافی با تزئین بسیار پربار بوجود آوردند که شاهکار تذهیب هستند. و یا قبل از شروع سوره، فاتحه طرح شمسه یا

خورشیدی را با تذهیب پرمایه به دل و دیده مؤمنان عرضه کردند .
در ابتدای ۱۱۲ سوره‌های بعدی، شروع هر سوره را به صورت کتیبه شبیه سردر قصر یا مسجد به کمک تذهیب جلوه بدیع دادند . فهرست اسامی سوره‌های قرآن در بعضی آثار خود شاهکاری است از هنر آن دوران و در بعضی موارد در خاتمه، مصحف شریف مثلثی ترسیم می‌کردند که در عین غنا تذهیب شده و نام خطاط و مذهب و شهر و تاریخ ترسیم ذکر شده است .

بحث مختصری در مورد فنّ تذهیب

طلا بسیار نرم است . به کمک ضربات چکش به راحتی به صورت ورق در می‌آید و یا از میان دو استوانه (نورد) که تحت فشارند به ورق زر تبدیل می‌شود . با کوبیدن طلا در هاون می‌توان گرد طلا تهیه کرد و به کمک رد کردن از الک یا غربال ظریف، گرد بسیار لطیفی بوجود آورد . با کمک محلول صمغ عربی این گرد به صورت معلق و به ظاهر محلول در اختیار مذهب قرار می‌گیرد . اگر گرد طلا را بر روی سطح آماده بپاشیم زینت «زرپاشی» بوجود می‌آید . شبیه حاشیه، مینیاتورهای کتاب مشهور شاهنامه، دوره شاه طهماسبی که سادگی آن حاشیه به جلوه، مینیاتور می‌افزاید .

مذهب به کمک آهار و انواع نشاسته‌ها که همیشه از اسرار کار ایشان است کاغذ یا پوست را زیرسازی می‌کند تا آماده پذیرفتن رنگ‌ها و همینطور طلا شود . بعداً این محلول طلای معلق را به کمک قلم موی بسیار لطیف بر روی کاغذ می‌آورند و صبر می‌کنند تا خوب جذب شود . سپس سنگ عقیق نیم گردی را که به اندازه مشت دست است با فشار روی طلا به حرکت می‌آورند تا اینکه این گردهای طلا که در زیر میکروسکوپ شبیه برگ‌های خزان در باغچه در جهات مختلف روی هم ریخته و پریشانند کلّ تخت شده و طلا به صورت ورقه، زر یکدست بر روی محلّ بنشینند . مینیاتور معراج پیغمبر از کتاب معراج نامه نمونه خوبی از این زرکاری است . سپس به کمک رنگ‌های گیاهی و گاهی معدنی این امر تکمیل می‌گردد . البته گاهی با قلم یا قلم موی نازک به رنگ سیاه یا لاجوردی، مرز طلا و رنگ‌ها را دقیقاً مشخص می‌نمایند که بر جلوه کار می‌افزاید . امروز هنوز هم ساختن گرد طلا توسط هنرمندان معمول است ولی بسیار کم و به ندرت، چه در صنعت تهیه ورق زر و گرده، طلا عرضه آنها معمول شده و قیمت‌ها هم بسیار مناسب هستند . یک نکته را نباید از یاد برد که در این میان شبه طلا به صورت مختلفه از جمله اکلیل‌ها و رنگ‌های طلائی خیلی ارزان عرضه می‌شدند ولی نتوانستند که جای دائمی طلا را داشته باشند .

بعضی اصطلاحات هنر تذهیب

اول طرح زرافشان است که گرد طلا بر روی تمام متن یا حاشیه با کمک آلك خیلی ظریف می‌نشیند . بعداً ابر چینی است (یا طره موی) که اساسش در پارچه‌های ابریشمی وارده از چین در قرون وسطی که به ایران می‌آمده دیده می‌شود . ترنج است که از لغت ترنج (میوه شبیه پرتقال) آمده و بعداً در چهار گوشه صفحه مثلثی است به نام لچک (شبیه روسری خانم‌ها) . اسلیمی است

که گویا اسلامی باشد که در لاتین آرابسک گویند و شبیه مفهوم اسلیمی را در بر دارد و عبارتند از گل و گیاه بافته بهم که در اصل از طبیعت گرفته شده و در تذهیب و طرح قالی و کاشی وارد شده و ختائی که گویا از ختا (منطقه‌ای در چین و آسیای مرکزی) مأخوذ و عبارت است از شاخه، پر گل و درخت و ساقه و همینطور انواع شمسها (شبیه خورشید یا ستاره) و فرفرها که شبیه مارپیچ بی‌انتها هستند (در هنر ترکیه، دوره شاه سلیمان پر حشمت معمول بوده و در متن طغرای سلطان و چینی‌های این زمان آمده است.) و اما گل و بلبل و گلدان که اکثراً شبیه چینی‌های ساخته شده برای ایران هستند.

آنچه به تذهیب و توسعه، آن کمک بزرگی کرد قابسازی و حاشیه‌کاری هستند که کتب نفیسه و یا متون مذهبی و یا دیوان‌های شعرای بزرگ و یا مؤلفین کم نظیر که در عین ظرافت توسط خوشنویسان تحریر شده، در عین حال به کمک مذهب قابسازی می‌شدند. بطور اختصار چند نمونه عرضه می‌گردد. مثلاً صفحه کتابی از قرن ۱۶ ایران که هنر پرجلال و جلای مذهب در نهایت جلوه آمده. و یا حاشیه کتابی که از آن در چاپ کتاب کلمات مکنونه استفاده کرده‌ایم، قرن ۱۶ ایران دوره شاه طهماسب، که طرح اسلیمی پرکاری است و تکراری در تمام کتاب که بر روی رنگ‌های مختلف پیاده شده و جلوه و وقار مخصوص دارد. یا حاشیه پرمایه، کتاب سلطنتی عثمانی همدوره، شاه سلیمان قانونی قرن ۱۶ که اسلیمی‌های ضخیم طلای آن حکایت از ثروت می‌کند. و بالاخره سه نمونه از قابسازی‌های کتب دوره امپراطوران مغول در هندوستان که یکی سراسر گل‌های رنگی که حاشیه لطیف طلائی در لبه دارند که برای تزئین لوح احتراق از آن استفاده کرده‌ایم. و دیگری مورد استثنائی است: حاشیه با طرح طلائی با گل و ماهی و اضافتاً مینیاتورهای رنگی که با متن صفحه در ارتباط مستقیم اند. و نمونه دیگر قرن هجدهم هند، شامل طرح قاب اندر قاب که از لحاظ هنری، مزوجی از چند رشته، پراکنده است.

ولی چون به هنر زند و قاجار می‌رسیم هنر تذهیب در قرآن کریم محصور نمانده بلکه فرامین سلطنتی، عقدنامه‌های شاهان و اعیان و امراء به صورت طومار یا کتابچه با صورت مشهود به کمک تذهیب ارزش والائی یافتند. یک جنبش مخصوص در موارد کتب دعا در ایران پیدا شد که بخصوص در مورد کتاب زادالمعاد قریب سه قرن استمرار و شاهکارهای کم نظیری بوجود آورد. یک کتاب دعای این دوره را با دقت مورد توجه قرار می‌دهیم.

هنر کتیبه، سرلوحه سازی، حاشیه بندی و زینت ابری بین کلمات، این نمونه، دوره صفوی را به بلوغ عجیبی رسانده. مثلاً طرح کوه شامخ که بطور قله، آتشفشانی آمده و بر روی آن ابر نشسته نمونه‌ای از عظمت و جلال است و همینطور حاشیه و جدول که پر از گل بر روی سه نوع طلا آمده باغچه‌های ایران را به یاد می‌آورند. و کتیبه و قاب، جلوه استحکام و نظم و ترتیب هستند. کلمات و ادعیه را با آوردن ابر طلائی بین حروف، جنبه آسمانی و متعالی داده که گاهی این ابرها با لبه‌های پررنگ مثلاً مشکی یا لاجوردی تکمیل و برجستگی مخصوص بوجود می‌آورند. گاهی هم این لبه‌ها بریده، مثل آنکه موشی جویده باشد طرح می‌گردند. و باز غنی‌ترین نوع آن طرح گل و گیاه بر روی این ابرهاست که چشم طالب را خیره می‌کند.

دوره، حضرت اعلی و جمال اقدس ابھی جلّ ثنائہما

در ابتدا تصوّر می‌شود که اکثر آثار تزئین و تذهیب شده در این دوره بوجود آمده چه که آن دوره دوران پر طوفان شهادت و مظلومیت و محدودیت بود و بکلی فرصت مفقود. ولی در مورد تسوید، نهایت همت و جدیت معمول می‌شد تا خطوط در عین نفاست و طهارت و صحت باشند و این امر فقط از یک نظم محکم و استوار و ایمان پایدار و یک سادگی و پاکی که نماینده، روح اجتماعی جامعه، بیانی و بهائی است حکایت می‌کند.

این عید آثار مختلفی را با دقت بسیار زیارت و مطالعه کرده، گویا قدیمی‌ترین اثر تذهیبی، صفحه، اول کتاب مستطاب ایقان باشد که شهید عظیم جناب میرزا آقای رکاب ساز انجام داده و کاملاً از روح هنری دوره، خود برخوردار است (مورخ ۱۸۷۱م = ۱۲۸۷ هجری). یاد دارم بسیار کوچک بودم، در منزل پدر بزرگم کتابی دیدم بسیار بزرگ و با یک تذهیب عالی و جلد نقاشی همراه بود. متأسفانه نه عقل بنده می‌رسید که این چه اثری است و نه پدر بزرگ اجازه دادند آن را در دست گرفته به دقت تماشا کنم. چون رغبت شدید بنده را احساس کردند متذکر شدند که لوح سلطان است که به واقع به خط متعادل و زیبا و تذهیب پرکار و جلد مناسب آراسته بود. عمل تذهیب نیز کار مرحوم مذهب باشی است که از جمله، بهائیان شیراز بودند. بعدها شنیدم که توسط زائری به حضور مبارک تقدیم شده بود.

اما یک نکته را باید متذکر شوم، هنوز معلوم نیست که آیا اول خطوط تحریر می‌شدند و بعد مذهب به کار مشغول می‌گردید؟ در مورد الواح تذهیب شده، جناب موهبت مسلم است که ابتدا آیات بوده و سپس با فاصله، ۵۰-۷۰ سال تذهیب شده‌اند. و آیا اول تذهیب کار، کتاب را تمام می‌کرده و خوشنویس متناسب با محل موجود، خطوط را در آن جا می‌داده؟ این طریقه و شیوه را قطعاً که کامل تذهیب شده و بدون نوشته مانده‌اند تأیید می‌کنند.

ولی اکثراً مذهب‌ان دوره، قجری در ایران، که برای جامعه، بهائی بسیار مورد توجه است، نوشته را دریافت می‌کرده‌اند و به کمک تصوّر و خیال، به کمک مداد کمرنگ به طرح خطوط اصلی می‌پرداخته که حاکی از احترام بسیار به متن مرقوم است. سپس به تذهیب می‌پرداخته‌اند. مذهب تقریباً حکم جامه دوز ماهر را دارد که با لباس برازنده و خوش برش بر هیکل آثار مقدسه جمال ظاهر را با کمال باطن همراه می‌سازد. این امر در آثار متعدده، جناب موهبت محسوس است و از غنای ذوق و استعداد فراوان ایشان حکایت می‌کند. سرسلسله، خوشنویسان و به فرموده، مبارک میرعماد ثانی جناب مشکین قلم بودند که گوشه، چشمی هم به هنر تذهیب و علم مناظر و مریا داشتند. از جمله در خروس‌های معروف به «دیک البقا» اثر این هنرمند ارجمند که مجموعه‌ای از هنر طفرانگاری و خوشنویسی است ظرافت عجیبی در تذهیب بال‌های خروس و تاج آن و پنجه‌های قوی که لوح مبارک را نگاه می‌دارند و همینطور قالیچه، زیر پای خروس و حتی ترنج حامل اسم ایشان و تاریخ مربوطه بدان، محسوس و جالب نظر هر هنرجو است.

آشنائی دیگر بنده با آثار بی‌نظیر تذهیب در دوره، امر مبارک در سنین مدرسه، متوسطه بود. مؤمنی بزرگوار و رشید در قامت و با وقار به نام حاج اسمعیل عبودیت روزهای جمعه بعد از درس

اخلاق مهمان خانواده، ما بودند و شنیدن سرگذشتها و حکایات ایشان از تشرفات متعدده حضور حضرت مولی الوری ارواحنا له الفداء، از جمله کمک در حمل عرش مقدس حضرت ربّ اعلی به مقام مبارک و مأموریت در شرکت بنای مشرق الاذکار عشقآباد باعث قوت دل و جان و ایمان می‌گردید. الواح کثیره از پیراعه، مقدسه داشتند که کلّ در کتابی ضخیم صحافی و تذهیب شده، جناب موهبت بودند. بواقع که جلوه بهشتی داشت. زیارت این آثار از بزرگ‌ترین نعمتهای عمر این بی‌مقدار بود. بطوری که شنیدم کلّ به ارض اقدس ارسال شده و حال در محفظه آثار است. این اولین تماس این بنده با کارهای جناب موهبت بود. هیچ مذهبی چه در تاریخ امر و چه در دنیای خارج به کثرت جناب موهبت آثار پایدار بوجود نیآورده‌اند. اکنون بسیار مختصر به شرح حال ایشان می‌پردازیم.

جناب لطف الله موهبت

جناب لطف الله موهبت تا سنّ ۱۲ سالگی در قزوین در خدمت دائی خود خوشنویس مشهور آقا میرزا عبدالحسین (جمال مبارک ایشان را کاتب مخاطب فرموده‌اند) به تعلیم خوشنویسی مشغول بودند. در لوحی از حضرت عبدالبهاء که به افتخار دائی ایشان عز نزول یافته می‌فرمایند: «اما در باره لطف الله خیلی مراقبت در تربیت او نمائید زیرا مستحقّ محبت است.» تا اینکه پدر ایشان «جمال بروجردی» وی را به طهران خواسته و از سنّ ۱۲ تا ۱۷ سالگی به تحریر اوراق موظف نمود. جناب لطف الله موهبت به تدریج متوجه شدند که این تحریرات اکثراً اوراق ناریه بوده و بوی نقض عهد از آنها به مشام می‌آید. به علت عدم بضاعت ترك این مسکن هنوز ممکن و میسر نبود تا که طاقت مقاومت نماند و در يك روز بسیار سرد زمستانی به بهانه دیدن خاله، خود ترك منزل پدری کرده و در نهایت فقر و تنگدستی به زندگانی محدودی مشغول شدند. اما اصرار پدر به مراجعت ایشان از يك طرف و دوری احبابی ثابت قدم از پسر جمال بروجردی از طرف دیگر امری بود بدیهی و بسیار سبب تنهائی و دلتنگی. در طی عریضه‌ای شرح حال خود را به حضور حضرت مولی الوری معروض داشت. پس از مدتی لوح منیع مبارک به افتخار ایشان صادر که در آن ایشان را «یخرج الحی من المیت» خطاب و تشویق به تحصیل معارف و خطّ خوش فرمودند.

در آیام حیات، دو بار به حضور مبارک حضرت شوقی ربّانی مشرف شدند، یکی به سال ۱۳۰۹ ش. برای مدّت ۷ ماه و به سال ۱۳۱۲ ش. برای ۵ ماه که آن را بزرگ‌ترین منقبت و شرافت زندگانی خود می‌دانستند. در این دو مرحله مجاورت از صبح تا شام مشغول به ایجاد هنر تذهیب الواح تحت ارشاد و هدایت مستقیم هیکل مبارک بودند.

اما بسیار مختصر از تشرّف مخصوص ایشان به زبان خود ایشان ذکر می‌شود: در آیام تشرّف روزی احضار شدم. عصر بود. دیدم هیکل مبارک در جاده، کوه کرمل در اتومبیل تشریف دارند. از دور تعظیم کردم. تا نزدیک شدم فرمودند: مشغول بودی؟ تعظیم کردم. فرمودند: آثار قلمی شما تا کنون زینت بخش محفظه آثار بود، حال زینت بخش خزائن ملوک شده. لوحی که تذهیب



جناب لطف اللہ موہبت

نموده بودید برای ملکه، رومانیا فرستادم، دیروز وصولش آمد. بسم الله، کار زیاد تفریح لازم دارد. می‌رویم بالای کوه. ایشان را حضرت ولی امرالله «مذهب شهیر» خطاب فرموده‌اند.

در این دوره، ایشان تنها مذهب بودند. صحافی و تذهیب و روغن‌کاری می‌دانستند که متأسفانه از کارهای روغن‌کاری امضاء دار ایشان چیزی نمی‌شناسیم. به سال ۱۳۴۸ ش. در سن ۸۶ سالگی در طهران صعود کردند. یک تصویر از اواخر ایام ایشان به همراه است. اما کارهای ایشان که قریب ۴۰۰ یا فزون‌تر از آن است به چندین نوع اجرا شده است.

اول- طرح ابرهای طلائی در اطراف آیات الهی و سپس قاب بندی و بعداً به کمک طرح اسلیمی پیوسته و بهم بافته تمام سطح را تزئین نموده‌اند.

دوم- پس از انجام ابر طلائی در متن، در پیشانی صفحه فقط به تزئین درخت پرجلوه پرداخته و در نیم صفحه، آزاد به طرح کاملاً متقارنی قناعت نموده که شباهت زیاد به قالیچه یا باغچه دارد که در کاشی‌کاری قدیم شبیه آن زیاد دیده می‌شود.

سوم- مشهور به طرح بته جقه یا بته ترمه که اساس آن در ادوار گذشته از طرح شجره، حیات (درخت زندگانی) مأخوذ از اساطیر مذهبی یا ملی آمده و به تدریج با اضافه کردن تزئینات، از شکل اصلی خود دور شده است. جناب موهبت این بته را چنان بزرگ ترتیب می‌دادند که تمام لوح مبارک در آن جا گرفته و بعد متن نوشته را با دقت بسیار گل‌پاشان نموده و بقیه، صفحه را به کمک طرح اسلیمی تکمیل می‌نمودند.

چهارم- همین طرح بته ترمه را به صورت قرینه‌سازی برای تزئین صفحه، حامل سجع مبارک بکار برده‌اند شبیه جقه، همایونی.

پنجم- سجع مبارک را در میان گرفته و به کمک نیم دایره‌های موزون تزئین کرده و فواصل را با گل‌پاره‌ها پر کرده. گویا طرح اصلی آن را از باغچه‌های داخلی حیاط‌های ایران گرفته و یا گنبدی را مجسم نموده که از زیر به تماشای آن پرداخته‌اند.

ششم- تلفیق و ترکیب چند طرح است. مثلاً بته ترمه را که حاوی لوح مبارک است با اضافه کردن کتیبه در پیشانی که محل نام پروردگار است که به احترام بدون ذکر نام می‌گذاشتند.

هفتم- طرح دایره است که عطف به فلک یا تعبیر به آفتاب می‌گردد. در این اثر دستخط مبارک حضرت بهاء‌الله را که خود در دایره نوشته شده با دوایر متحد‌المرکز زینت داده و در پائین، کتیبه، پر گلی آورده که شبیه طلوع خورشید در گلستان است.

هشتم- طرح قاب‌سازی است که به کمک اسلیمی حاشیه، پهن را کاملاً تزئین نموده‌اند.

نهم- طرح ستاره است که الواح اصولاً در این محدوده تحریر شده و ایشان در نهایت مهارت به تزئین پرداخته‌اند. این طرح چنانچه احساس می‌شود طبق اراده، مبارک نوشته و طبق دستور ایشان جناب موهبت تذهیب کرده‌اند.

اکثر کارهای ایشان بر روی مقوای محکمی نصب و در اطراف تذهیب ایشان قابی از کاغذ رنگین آمده که آن را برای حفظ الواح مبارک لازم می‌دانسته و آن را حریمی تصور می‌کرده که ورود به حرم قدس کلمات الهی را محدود و یا ممنوع می‌ساخته و ظاهراً هم سبب حفظ الواح بوده.

از صفات ممتازه ایشان انقطاع ایشان بود که در تمام عمر از هر تعلق جسمانی برکنار و فقط رضای حق را طالب بودند. صاحب احساس لطیف برای انتخاب رنگها و قریحه، پک برای ایجاد طرحها بودند و گویا که مثل همه استادان هنر، خود شخصاً به تهیه مواد، چه زر، چه رنگها میپرداختند. تفاوتی بین کارهای جوانی ایشان و سالهای پیری معلوم و محسوس است. در ابتدا شدیداً متوجه بوده‌اند که خطوط مرزی بین طلاکاری و رنگهای همسایه با رنگ سیاه یا لاجوردی پررنگ دقیقاً ترسیم شوند. ولی این امر به تدریج تغییر کرده، فاصله محسوس بین طلا و رنگها پیدا شده که شاید علامت بلوغ هنری و یا قضاوت شخصی ایشان بوده است. در جوانی به کمک مداد به طراحی و زمینه‌سازی میپرداختند ولی در سالهای پیری مستقیم با قلم به طرح میپرداختند. در هنر ایشان مطلب محسوس و مشهود باقی ماندن رنگها به همان تازگی و درخشندگی ایام اولیه خود است که به نظر این عبد از امانت ایشان حکایت می‌کند که هنگام تهیه مواد، با نهایت دقت بهترین نوع را انتخاب می‌کرده‌اند و با دلسوزی بسیار آنها را ببار می‌آورده‌اند.

سبک ایشان کاملاً شرقی و مشهور به قجری است و تأثیری از هنر غربی در آن دیده نمی‌شود. و اصولاً ابتکار و تنوع، سرمایه اصلی ایشان بوده و شاید ایشان را بتوان بزرگترین وارث این هنر لطیف دانست. صفای دل ایشان به کارهای ایشان لطافت عجیبی بخشیده و صبر و طاقت بسیار داشته‌اند. متناسب با اهمیت و هیمنه الواح از یک روز تا یک ماه صرف تذهیب یک لوح می‌کردند. شاگردان زیادی نداشتند مگر در اواخر ایام. در ارض اقدس حضرت حرم از ایشان سؤال می‌کنند که چرا شما به کسی تذهیب یاد ندادید؟ عرض می‌کند چون کسی حاضر نشد. می‌فرمایند اسباب تذهیب را بیاورید، من یاد می‌گیرم. مدت یاد گرفتن این هنر طبق اظهار ایشان ۵-۶ سال است و پس از آن یک عمر تجربه.

علاوه بر تشرّف طولانی در ارض اقدس و انجام فرمایشات مبارک بطور مستقیم، در اقامت‌های بعدی در ایران اکثراً به اجرای دستورات مبارک در تذهیب الواح منیعه مشغول بوده‌اند که بعداً آنها را به ارض اقدس توسط زائرین ارسال می‌کرده‌اند و بسیار مورد عنایت و توجه مولای حنون واقع گشته است، فطوبی له. قریب چهل سال در طهران به صحافی کتب و مجلات امری و تذهیب‌کاری مشغول بودند که یا طبق دستور مبارک بوده یا خواهش احباء که سفارشات خصوصی می‌داده‌اند. پس از اقامت در ارض اقدس، قریب پانزده سال در زنجان به عنوان مهاجر ساکن بودند و اواخر عمر که کهولت و ضعف حاصل شد قریب سه سال در طهران بودند که در یوم جمعه ۱۷ مرداد ۱۳۴۸ (۱۹۶۹ میلادی) به ملکوت ابدی صعود کردند. علیه آلاف التّحیّة و الثّناء. اما آثار ایشان اکثراً در دارالآثار بین المللی حيفا، اماکن متبرکه در ارض اقدس و در مجموعه، محفل مقدّس روحانی ملی ایران و در بسیاری از خاندان‌های احباء چه در ایران و چه خارج آن سامان موجود است.



۰ - جناب شیخ حسن مفتحی. ردیف استاده از راست به چپ: ۱ - جناب حاجی محمد نصیر قزوینی شهید (سراج الشهداء) - ۲ - جناب آفتاب علی اکبر قزوینی (شهید) - ۳ - جناب سید حسن هاشمی زاده (استرجه) - ۴ - مرحوم اورنگ
 (این عکس حدود یکصد سال قبل در طهران گرفته شده است).

از شاگردان ایشان خبری نداریم ولی پس از غروب این ستاره، درخشان، جوانان با استعدادی در این میدان قدم گذاشتند و شروع به کار نمودند ولی نه تمرکز و نه تخصص در این رشته را خواستند. در هنرهای تزئینی و خوشنویسی و طراحی و مینیاتورسازی خیلی جلو رفتند. اینست که حال در دنیای امر، مذهب سرشناسی نداریم و جای آنها خالی است. در دنیای خارج گویا در سوریه و قاهره تذهیب‌کاران قابل هستند که در مکتب عربی مشغول اند ولی در ایران از این رشته برکنار. اگر بخواهیم در این زمینه نام چند هنرمند بهائی را ذکر کنیم بایستی اسامی این عزیزان را به یاد بسپاریم. خانم مینو علائی در مرز فرانسه و سویس. جناب موقن در فرانسه و جوان پر جوهر برهان زهرائی در کانادا. پیر دیر جناب هنداوای در امارات و چند هنرمند قابل دیگر در کانادا که آثار نوظهورشان در تألیف «محبوب عالم» طبع کانادا اثر قابل و پر هنری را عرضه نموده‌اند و از هنر غربی برکنار نمانده‌اند.

امیدواریم که در اثر مطالعه و دقت و پشتکار و قبول زحمت در این رشته به مراتب عالی‌تر برسند و آثار امری را به کمک هنر خود جلوه بدیع بخشند. ذکر سه وجود هنرمند در اینجا لازم است: جناب بیژن فردوسی در آمریکا و جناب سعادت الله منجذب در کانادا و جناب تورج جهانگیرلو در نروژ.

آینده، هنر تذهیب

در حال حاضر که به امر معهد اعلی کتاب مستطاب اقدس خوشنویسی و ملحقات آن صحیفه، کریمه توسط کامپیوتر نوشته شده توجه محسوس بدان معطوف که در مواقع مخصوص به هنر تذهیب آراسته و پیراسته شود. این مورد نشان می‌دهد که تذهیب و تحشیه هنری است شناخته و فراموش نشده و دارای آینده، گرانمایه‌ای است. بدین ترتیب که در انتشار آثار مبارکه در آتیه مورد استفاده واقع خواهد شد. حال موقع آن است که جوانان با استعداد ما در این زمینه از دل و جان مایه گذاشته و به تعلیم و تکمیل این هنر پردازند و به ایجاد آثاری پردازند که لایق مجاورت آستان و تجلیل مقام آثار الهی باشند. شرط اول استعداد سپس پشتکار و استمرار و شرط ثانی پیدا کردن استاد و تکمیل و بلوغ آمادگی خداداد و بالاخره حفظ پاک‌ی نفس و صفا و اخلاص و زیارت و توجه در آثار و الواح.

اما در این ۶۰-۷۰ سال اخیر در ایران با وجود استعداد فطری فراوان به علت بی‌ترتیبی و نبودن راهنما، تقلیدهای مکرر شده که مزوج و ترکیبی هستند از سبک ایران و دوره‌های هنری مختلف اروپائیان. مگر در این ده سال اخیر که استعدادها چه در خوشنویسی چه در آرایش‌خواهی راه نوئی در پیش گرفته و میوه‌های نوبری ببار آورده. اگر این راه استمرار یابد ممکن است آثاری ماندگار ببار آورد که در مقابل انتقاد سخت هنری پایدار بماند.

برای حسن ختام مناجاتی از مرکز عهد و میثاق حضرت مالک انام در باره جناب لطف الله موهبت ذکر می‌شود.

هوالبهی'

ای بنده، صادق حق، در این بساط آیت یُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ گشتی و مظهر قد خرج النرجس من بصل و نبت الورد من الشوك گردیدی.

در قطب ابداع ظاهر و آشکار نمودی که مقصدی جز حق نداشته و نداری، مرادی بغیر از رضایش نخواستی و نخواهی، مخلصین له الدین. آن شجر به تیشه، جفا و تیغ بغضا ریشه، خویش را قطع نمود، ولی تو که نهال بوستان محبت الله هستی انشاء الله به رشحات سحاب رحمت چنان نشو و نما نمائی که چشمها حیران گردد. البته در تحصیل معارف و خطّ خوش کمال همت را مبذول دار. و البهاء عليك. ع

مراجع

- آهنگ بدیع، سال ۲۴، شماره ۵ و ۶.
- کتب متعدده، تاریخ هنر اسلام و ایران به زبانهای انگلیسی و آلمانی، فرانسه و فارسی و عربی.
- شاهنامه، شاه طهماسبی.
- کتاب عمّامه و لاله و اسلیمی به زبان انگلیسی (شاهکارهای عثمانی).
- کتاب عالم بهائی، دوره‌های ۱۴، ۷، ۳.
- کتاب بهاء الله شمس حقیقت، تألیف جناب بالیوزی.
- محبوب عالم، منتشر در کانادا (به یادبود سال مقدّس).
- کتاب قباله‌های ازدواج، موزه نگارستان، خانم سودآور دیبا.
- کتاب مشکین قلم، انجمن ادب و هنر.
- کلمات مکنونه به خطّ مشکین قلم، آلمان و همینطور کلمات مکنونه به خطّ جناب موقن، چاپ آلمان.
- شاهکارهای هنر اسلامی، مونیخ (گنجینه آثار شرق).
- مینیاتورهای ایران و هند، برلین.
- قرآن‌های خطّی ایران و ترکیه و هندوستان (مجموعه، خصوصی).
- لوح قد احترق المخلصون و ملاح القدس با تزئین هندی مغولی، طبع آلمان.
- بسیاری قطعات اصلی از مجموعه، شخصی.
- معراج رسول الله، کتابخانه ملی پاریس.
- دارالآثار بین المللی در حیفا.